

جبهه آزادی: طرحی برای همگرایی و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران



شهریور ۱۴۰۴ برابر سپتامبر ۲۰۲۵

فهرست مطالب

۴	تجربه‌ی تشکیلات جبهه‌ای (Fronts / Alliances)
۴	جمع‌بندی تجربی
۵	مدل‌های جبهه‌ای در تجربه تاریخی
۵	۱. مدل جبهه حداقلی – هدف مشترک فوری
۵	۲. مدل جبهه آزادی‌بخش ملی – مبارزه ضداستعماری یا ضد استبدادی
۵	۳. مدل جبهه متحد – (United Front) همکاری تاکتیکی نیروهای متخاصم
۵	۴. مدل جبهه فراگیر – (Broad Alliance) سازمان چتری
۶	۵. مدل جبهه موقت یا کمپین‌محور
۶	جمع‌بندی برای شرایط ایران (خارج کشور)
۶	جبهه آزادی و موانع برپایی جبهه در ایران

۱. موانع عینی و ذهنی ۶
۶. پراکندگی جنبش‌های اجتماعی و کارگری داخل کشور: ۶
۶. چندپارگی اپوزیسیون خارج کشور ۶
۶. بی‌اعتمادی متقابل: ۶
۶. فشار قدرت‌های خارجی ۶
۲. امکان‌پذیری نسبی ۷
۷. عدم واقع بینی ۷
۷. امکان‌پذیری نسبی ۷
۷. تجربه‌های جهانی ۷
۳. اصول پایه برای هر اقدام ۷
۷. جبهه آزادی در خارج کشور ۷
۸. ساختار جبهه آزادی در خارج کشور ۸
۱. مبنا و هویت ۸
۲. شکل سازمانی ۸
۳. شیوه فعالیت ۸
۴. اصول عضویت ۸
۵. منابع و شفافیت ۹
۶. رابطه با داخل کشور ۹
۷. افق توسعه ۹
۹. اپوزیسیون و مساله سرنگونی ۹
۱. سرنگونی به مثابه حداقل مشترک ۹
۲. حداقل سرنگونی + خطوط قرمز بنیادین ۱۰
۳. تمرکز بر کارزارهای عملی ۱۰
۴. تجربه تاریخی ۱۰
۱۰. منشور پایه جبهه آزادی ۱۰
۱. هدف مشترک ۱۰
۲. خط قرمزهای بنیادین ۱۰
۳. شیوه عمل ۱۱
۴. افق مشترک ۱۱
۱۱. منشور توضیحی و گسترده جبهه آزادی ۱۱
۱۲. اصل اول: هدف مشترک - سرنگونی رژیم اسلامی ۱۲
۱۲. اصل دوم: خط قرمزهای بنیادین ۱۲

۱۲	اصل سوم: شیوه عمل - تمرکز بر کارزارهای عملی
۱۳	اصل چهارم: افق مشترک - تصمیم مردم برای آینده
۱۳	جمع‌بندی
۱۳	بیانیه تأسیس جبهه آزادی
۱۳	اصول بنیادین جبهه آزادی
۱۴	شیوه عمل
۱۴	افق مشترک
۱۴	چارچوب اجرایی و سازمانی جبهه آزادی
۱۴	۱. ساختار پیشنهادی جبهه
۱۴	الف) مجمع عمومی
۱۴	ب) شوراهای هماهنگی
۱۴	ج) کمیته‌های تخصصی
۱۵	۲. نحوه تصمیم‌گیری
۱۵	۳. شیوه جذب نیروها
۱۵	الف) عضویت فردی
۱۵	ب) عضویت گروهی
۱۵	ج) اصول جذب
۱۵	۴. مکانیزم ارتباط با داخل کشور
۱۵	۵. منابع و پشتیبانی مالی
۱۵	۶. افق توسعه جبهه
۱۶	اساسنامه جبهه آزادی
۱۶	فصل اول - کلیات
۱۶	فصل دوم - اهداف و وظایف
۱۶	فصل سوم - عضویت
۱۷	فصل چهارم - ارکان جبهه
۱۷	فصل پنجم - شیوه تصمیم‌گیری
۱۸	فصل ششم - منابع مالی
۱۸	فصل هفتم - انحلال و تغییر اساسنامه
۱۸	فصل هشتم - مواد
۱۸	پایانی

تجربه‌ی تشکیلات جبهه‌ای (Fronts / Alliances)

تجربه‌ی تشکیلات جبهه‌ای (Fronts / Alliances) در تاریخ مبارزات اجتماعی و سیاسی جهان فراوان است. این تجربه‌ها بسته به شرایط تاریخی، ترکیب نیروها، سطح سرکوب و چشم‌انداز سیاسی، نتایج متفاوتی داشته‌اند. در ادامه چند نمونه شاخص معرفی می‌کنیم:

- ✓ ترکیب: اتحاد احزاب سوسیالیست، کمونیست و لیبرال‌های چپ‌گرا.
- ✓ هدف: مقابله با فاشیسم و دفاع از دموکراسی.
- ✓ دستاورد: در فرانسه (۱۹۳۶) جبهه خلق به پیروزی انتخاباتی رسید و اصلاحاتی در حمایت از کارگران (مانند افزایش دستمزد و مرخصی باحقوق) اجرا شد. در اسپانیا جبهه خلق نیز در انتخابات پیروز شد و همین امر به جنگ داخلی و درگیری با نیروهای فاشیستی فرانکو انجامید.
- ۲. جبهه آزادی‌بخش ملی الجزایر – (FLN) ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲
- ✓ ترکیب: گروه‌های ملی‌گرا، سوسیالیست و اسلامی ضد استعمار.
- ✓ هدف: پایان استعمار فرانسه و استقلال الجزایر.
- ✓ دستاورد: رهبری جنگ ضد استعماری و کسب استقلال در ۱۹۶۲.
- ✓ نکته: پس از پیروزی، FLN به یک حزب حاکم واحد تبدیل شد و تنوع اولیه درون جبهه کاهش یافت.
- ۳. کنگره ملی آفریقا (ANC) و جبهه ضدآپارتاید – آفریقای جنوبی
- ✓ ترکیب ANC: همراه با اتحادیه‌های کارگری (COSATU)، حزب کمونیست آفریقای جنوبی (SACP) و جنبش‌های اجتماعی.
- ✓ هدف: سرنگونی نظام آپارتاید و تحقق برابری نژادی.
- ✓ دستاورد: رهبری مبارزات ضدآپارتاید تا پیروزی در دهه ۱۹۹۰ و تشکیل دولت نلسون ماندلا.
- ۴. جبهه متحد ضدفاشیستی – (United Front) چین ۱۹۲۰-۱۹۴۰
- ✓ ترکیب: حزب کمونیست چین و حزب ملی‌گرا (کومینتانگ) در مقاطعی.
- ✓ هدف: در ابتدا مقابله با جنگ‌سالاران محلی، و بعدها مقابله با اشغال ژاپن.
- ✓ دستاورد: با وجود فراز و نشیب، این جبهه به تقویت موقعیت کمونیست‌ها و توسعه نفوذ مردمی آنان انجامید.
- ۵. جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (PFLP) و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO)
- ✓ PLO به عنوان یک جبهه عمل می‌کرد که طیف گسترده‌ای از گروه‌های ملی‌گرای فلسطینی، سوسیالیست و بعدها اسلام‌گرا را گرد هم آورد.
- ✓ هدف: مبارزه برای آزادی فلسطین.
- ✓ دستاورد: به‌رغم اختلافات داخلی، توانست به عنوان نماینده مشروع فلسطینیان در سطح جهانی شناخته شود.
- ۶. جبهه ملی ایران (دهه ۱۳۳۰-۶۰)
- ✓ در تاریخ ایران نیز نمونه‌هایی وجود دارد، از جمله جبهه ملی (با رهبری دکتر مصدق) که ائتلافی از نیروهای ملی‌گرا، لیبرال و بخش‌هایی از جریان‌های مذهبی و چپ‌گرا بود.
- ✓ هدف: ملی‌کردن نفت و مقابله با سلطه خارجی و استبداد سلطنتی.
- ✓ دستاورد: ملی شدن صنعت نفت، هرچند با کودتای ۲۸ مرداد شکست خورد.

جمع‌بندی تجربی

- نکته مثبت: جبهه‌ها زمانی موفق‌تر بوده‌اند که حول یک هدف مشخص و فوری (مبارزه با استعمار، فاشیسم، آپارتاید، دیکتاتوری) شکل گرفته‌اند.

- نکته منفی: بسیاری از جبهه‌ها پس از پیروزی با خطر تبدیل شدن به یک حزب حاکم تک‌صدا یا فروپاشی ناشی از اختلافات درونی روبه‌رو شده‌اند.

مدل‌های جبهه‌ای در تجربه تاریخی

۱. مدل جبهه حداقلی – هدف مشترک فوری

- ✓ ویژگی‌ها: ائتلاف بر محور یک خواست مشخص (مثلاً پایان دیکتاتوری، استقلال ملی، مقابله با فاشیسم) بدون ورود به اختلافات ایدئولوژیک یا برنامه‌های بلندمدت.
- ✓ نمونه‌ها:
- ✓ جبهه خلق در فرانسه و اسپانیا (دهه ۱۹۳۰) علیه فاشیسم.
- ✓ جبهه ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی حول برابری نژادی.
- ✓ مزیت: امکان جذب گسترده نیروهای متنوع، تمرکز بر اقدام عملی.
- ✓ خطر: پس از تحقق هدف فوری، اختلافات فروخته سربرمی‌آورند.

۲. مدل جبهه آزادی‌بخش ملی – مبارزه ضداستعماری یا ضد استبدادی

- ✓ ویژگی‌ها: ترکیب نیروهای ملی‌گرا، چپ، مذهبی یا قومی برای پایان دادن به سلطه استعماری یا رژیم استبدادی.
- ✓ نمونه‌ها:
- ✓ FLN الجزایر (۱۹۵۴-۱۹۶۲)
- ✓ جبهه ملی ایران در دوران مصدق.
- ✓ مزیت: توان بالای بسیج مردمی، مشروعیت گسترده.
- ✓ خطر: پس از پیروزی، یک گرایش می‌تواند بقیه را حذف و هژمونی مطلق ایجاد کند.

۳. مدل جبهه متحد – (United Front) همکاری تاکتیکی نیروهای متخاصم

- ✓ ویژگی‌ها: همکاری مقطعی نیروهایی با تضادهای شدید برای مقابله با دشمن مشترک.
- ✓ نمونه‌ها:
- ✓ اتحاد موقت حزب کمونیست چین و کومینتانگ علیه ژاپن.
- ✓ مزیت: امکان ایجاد توازن قوا در لحظات بحرانی.
- ✓ خطر: شکننده، وابسته به شرایط اضطراری، و مستعد خیانت و سرکوب یکجانبه

۴. مدل جبهه فراگیر – (Broad Alliance) سازمان چتری

- ✓ ویژگی‌ها: یک نهاد چتری که طیف گسترده‌ای از احزاب، اتحادیه‌ها و گروه‌های مدنی را با حفظ استقلال درونی گرد هم می‌آورد.
- ✓ نمونه‌ها:
- ✓ سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO)
- ✓ ANC و اتحاد ضدآپارتاید (شامل اتحادیه‌ها و حزب کمونیست).
- ✓ مزیت: ایجاد نمایندگی معتبر در سطح جهانی و داخلی.
- ✓ خطر: خطر بوروکراتیزه شدن و فاصله گرفتن از توده‌ها.

۵. مدل جبهه موقت یا کمپین محور

- ✓ ویژگی‌ها: اتحاد کوتاه‌مدت برای کارزارهای مشخص (مثلاً آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه با اعدام، یا مخالفت با جنگ).
- ✓ نمونه‌ها:
- ✓ جبهه‌های ضد جنگ و ضد جهانی‌سازی در اروپا و آمریکا دهه ۲۰۰۰.
- ✓ مزیت: انعطاف‌پذیری، جلوگیری از درگیری‌های ایدئولوژیک.
- ✓ خطر: ناپایداری و پراکندگی پس از پایان کمپین.

جمع‌بندی برای شرایط ایران (خارج کشور)

- ✓ الهام‌بخش:
- ✓ مدل جبهه حداقلی: تمرکز بر سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی‌های اساسی، پرهیز از ورود به اختلافات تئوریک.
- ✓ مدل جبهه موقت/کمپین محور: اتحاد حول کارزارهای معین (لغو اعدام، آزادی زندانیان، حمایت از کارگران).
- ✓ مدل جبهه فراگیر (چتری): اگر بتوان سازوکاری شفاف و دموکراتیک ایجاد کرد که استقلال گروه‌ها حفظ شود.
- ✓ پریخطر:
- ✓ مدل جبهه آزادی‌بخش ملی: چون در ایران امروز تنوع شدید ایدئولوژیک و بحران اعتماد وجود دارد، خطر هژمونی‌طلبی یک جریان بالاست.
- ✓ مدل جبهه متحد تاکتیکی: اتحادهای کوتاه‌مدت با نیروهای متضاد (مثلاً نیروهای بورژوازی یا ارتجاعی) می‌تواند منجر به انحراف یا شکست کامل شود.

جبهه آزادی و موانع برپایی جبهه در ایران

با توجه به پراکندگی جنبش‌های کارگری و اجتماعی در ایران و نیز پراکندگی در اپوزیسیون خارج کشور به ویژه اپوزیسیون چپ امکان ایجاد جبهه آزادی در خارج کشور چقدر است و در صورت اقدام چه اصولی را بایستی در نظر گرفت؟ این پرسش بسیار کلیدی است و به یکی از بحث‌های محوری در جنبش‌های سیاسی تبعیدی و اپوزیسیون ایران برمی‌گردد: آیا می‌توان در شرایط پراکندگی و چندپارگی – چه در داخل و چه در خارج کشور – یک «جبهه آزادی» یا چارچوب مشترک سیاسی ایجاد کرد؟

۱. موانع عینی و ذهنی

پراکندگی جنبش‌های اجتماعی و کارگری داخل کشور: این جنبش‌ها عمدتاً محلی، صنفی و پراکنده‌اند و هنوز به سطح پیوند و سازمان‌یابی سراسری نرسیده‌اند.

چندپارگی اپوزیسیون خارج کشور: شکاف‌های تاریخی (ملی‌گرایان، سلطنت‌طلبان، اصلاح‌طلبان برانداز، چپ‌های متنوع، گروه‌های قومی و ملی)، رقابت‌های فردی و فرقه‌گرایی سنتی مانع اصلی است.

بی‌اعتمادی متقابل: تجربه‌های شکست‌خورده ائتلاف‌ها در گذشته (مثلاً شوراهای متحد اپوزیسیون در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی/۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شمسی) هنوز سایه انداخته است.

فشار قدرت‌های خارجی: خطر همسویی بخشی از اپوزیسیون با قدرت‌های امپریالیستی یا دولت‌های منطقه‌ای، مشروعیت هر جبهه‌ای را زیر سؤال می‌برد.

۲. امکان‌پذیری نسبی

عدم واقع بینی: تشکیل یک جبهه وسیع آزادی در خارج کشور به معنای «اتحاد همه مخالفان» واقع‌بینانه نیست، زیرا اختلافات بنیادین ایدئولوژیک و راهبردی وجود دارد.

امکان‌پذیری نسبی: اما ایجاد یک چارچوب حداقلی همکاری حول مسائل مشخص (مثل آزادی زندانیان سیاسی، مخالفت با سرکوب و اعدام، دفاع از آزادی‌های پایه‌ای، مخالفت با مداخله خارجی) امکان‌پذیرتر است.

تجربه‌های جهانی (مانند «جبهه‌های ضدفاشیستی» در اروپا یا همکاری‌های حداقلی تبعیدیان آمریکای لاتین) نشان می‌دهد چنین چارچوب‌هایی می‌توانند در عین اختلافات جدی، کارکرد عملی داشته باشند.

۳. اصول پایه برای هر اقدام

اگر بخواهیم یک «جبهه آزادی» در خارج کشور با رویکرد مترقی و به‌ویژه با حضور نیروهای چپ شکل گیرد، رعایت چند اصل ضروری است:

حداقل‌گرایی سیاسی:

توافق نه بر سر برنامه کامل، بلکه بر سر اصول حداقلی (آزادی‌های دموکراتیک، لغو سرکوب، حق تشکل و اعتصاب، حق تعیین سرنوشت مردم ایران بدون دخالت خارجی).

استقلال از قدرت‌های خارجی:

هر گونه اتکا به دولت‌ها یا بلوک‌های امپریالیستی، جبهه را از درون فرو می‌پاشد و اعتبار آن را نزد جنبش‌های داخلی از بین می‌برد.

دموکراسی درونی و افقی:

جبهه نباید به «اتحاد رهبران» یا «ائتلاف سازمان‌های بالادستی» محدود شود، بلکه باید بر مبنای شوراهای، مجامع باز، و مشارکت آزاد کنشگران مستقل نیز بنا شود.

پرهیز از هژمونی‌طلبی سازمانی:

هیچ جریان یا حزب خاصی نباید خود را رهبر بلامنازع جبهه بداند؛ ساختار باید پلورالیستی و چندصدایی باشد.

پیوند با داخل کشور:

جبهه تنها زمانی واقعی و مؤثر است که پژواک مبارزات کارگران، زنان، جوانان و جنبش‌های اجتماعی داخل باشد، نه صرفاً بازتاب جدل‌های خارج‌نشین.

تمرکز بر کنش‌های عملی مشترک:

مانند کارزارهای حقوق بشری، افشاگری درباره سرکوب، جمع‌آوری کمک برای اعتصابات کارگری و خانواده‌های زندانیان سیاسی، ایجاد رسانه‌های مشترک، و فشار بر نهادهای بین‌المللی.

جمع‌بندی

امکان ایجاد یک «جبهه آزادی» فراگیر و پایدار در خارج کشور محدود است، اما ایجاد یک شبکه یا جبهه حداقلی با تمرکز بر آزادی‌های پایه‌ای و دفاع از مبارزات اجتماعی داخل می‌تواند عملی و مؤثر باشد. کلید اصلی در اینجا است که چنین جبهه‌ای نباید در رقابت قدرت‌های بزرگ غرق شود و باید استقلال، دموکراسی درونی، و پیوند با داخل را اصل قرار دهد.

جبهه آزادی در خارج کشور

با توجه به بحث‌های قبلی و تجربه‌ی مدل‌های تاریخی، یک پیشنهاد مشخص و عملی برای ساختار جبهه آزادی در خارج کشور تنظیم گردیده که ترکیبی می‌باشد از مدل حداقلی + کمپین‌محور + چتری.

ساختار جبهه آزادی در خارج کشور

۱. مبنا و هویت

جبهه آزادی یک ائتلاف حداقلی است با محوریت:

۱. سرنگونی جمهوری اسلامی؛
 ۲. تحقق آزادی‌های پایه‌ای (آزادی بیان، تشکل، اعتصاب، برابری حقوقی)؛
 ۳. مخالفت با هرگونه دیکتاتوری جایگزین.
- این جبهه خود را سخنگوی مردم ایران نمی‌داند، بلکه صدای همبستگی و تقویت‌کننده‌ی مبارزات داخل کشور است.

۲. شکل سازمانی

الف) جبهه چتری

جبهه آزادی به‌عنوان یک «سازمان چتری» عمل می‌کند که در آن:

۱. احزاب، گروه‌ها و تشکلهای مستقل می‌توانند حضور یابند؛
۲. افراد منفرد آزادی‌خواه نیز امکان عضویت دارند؛
۳. استقلال درونی همه نیروها حفظ می‌شود.

ب) ساختار تصمیم‌گیری

۱. مجمع عمومی: بالاترین مرجع، متشکل از نمایندگان گروه‌ها و افراد مستقل.
۲. شورای هماهنگی: نهاد اجرایی منتخب، با حضور متوازن نمایندگان گروه‌ها و افراد.
۳. کمیته‌های تخصصی: رسانه، حقوق بشر، پشتیبانی از کارگران و جنبش‌های اجتماعی، ارتباطات بین‌المللی، سازماندهی و جذب نیرو.

ج) گردش مسئولیت

۱. هیچ فرد یا گروهی حق هژمونی دائمی ندارد.
۲. مسئولیت‌ها دوره‌ای و قابل واگذاری هستند.

۳. شیوه فعالیت

الف) کمپین‌محور

جبهه آزادی تمرکز خود را بر کارزارهای مشخص و عملی می‌گذارد؛ از جمله:

۱. کارزار لغو اعدام؛
۲. کارزار آزادی زندانیان سیاسی؛
۳. کارزار حمایت از اعتصابات و مبارزات کارگری و معلمان؛
۴. کارزار افشای جنایات رژیم در سطح بین‌المللی.

ب) انعطاف‌پذیری

۱. هر کارزار می‌تواند با حضور نیروهای بیشتری (حتی خارج از جبهه) انجام شود؛
۲. پس از پایان هر کارزار، امکان ارزیابی و بازتنظیم اولویت‌ها وجود دارد.

۴. اصول عضویت

۱. شرایط فردی: پذیرش منشور حداقلی و تعهد به همکاری در کارزارها.
۲. شرایط گروهی: پذیرش منشور حداقلی و تعهد به پرهیز از هژمونی‌طلبی.
۳. حقوق اعضا: مشارکت برابر در تصمیم‌گیری، حق بیان آزاد نظر در چارچوب احترام به مصوبات جمعی.

۵. منابع و شفافیت

۱. تأمین مالی از طریق کمک‌های داوطلبانه اعضا و حامیان.
۲. ممنوعیت دریافت هرگونه کمک از دولت‌ها و نهادهای خارجی.
۳. انتشار عمومی گزارش مالی و تصمیمات برای حفظ اعتماد.

۶. رابطه با داخل کشور

۱. ارتباط امن با فعالان داخل و انعکاس صدای آن‌ها در سطح جهانی.
۲. حمایت رسانه‌ای، حقوقی و در صورت امکان مادی از مبارزات داخلی.
۳. پرهیز از سخنگویی یا تحمیل دستور کار از خارج به داخل.

۷. افق توسعه

۱. جبهه آزادی در آغاز با یک منشور حداقلی و کارزارهای معین فعالیت می‌کند.
۲. با گسترش نیروها و تجربه عملی، امکان ارتقاء به برنامه‌های مشترک بلندمدت وجود خواهد داشت.
۳. این توسعه تنها بر اساس نیازهای واقعی جنبش و اجماع اعضا انجام خواهد شد.

به این ترتیب، جبهه آزادی در خارج کشور می‌تواند از پراکندگی نیروها بکاهد، بدون اینکه درگیر جدال‌های ایدئولوژیک فرسایشی شود؛ در عین حال ابزاری عملی و کارزارمحور برای تقویت جنبش‌های داخل کشور فراهم آورد.

اپوزیسیون و مساله سرنگونی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و تنها وجه مشترک جریان اپوزیسیون و اپوزیسیون چپ مسئله سرنگونی طلبی و عبور از رژیم اسلامی است.

آیا این حداقل می‌تواند مبنای ورود جریان‌های مختلف در جبهه آزادی باشد و بر این اساس کار را شروع کرد که با پرهیز از تلاش برای ورود به اختلافات ایدئولوژیک، پلتفرم‌های گوناگون و تحلیل‌های بلند بالای سیاسی صرفاً بر کارزارهای معین حول مهم‌ترین مسائل و معضلات جامعه ایران تاکید کرد؟

اینکه آیا «سرنگونی‌طلبی» و ضرورت عبور از رژیم اسلامی می‌تواند حداقل مشترک برای شکل‌گیری یک جبهه آزادی باشد، نکته‌ای کلیدی و تعیین‌کننده در برپایی جبهه آزادی می‌باشد. در ادامه به ویژه‌گی‌های این خواست می‌پردازیم.

۱. سرنگونی به مثابه حداقل مشترک

درست است که سرنگونی رژیم اسلامی تنها نقطه‌ی اشتراک بخش بزرگی از اپوزیسیون – از راست‌ترین تا چپ‌ترین طیف‌ها – است. این اشتراک می‌تواند آغاز یک همکاری عملی باشد، اما اگر تنها به همین سطح باقی بماند، جبهه آزادی با دو خطر جدی مواجه می‌شود:

۱. ابهام در چشم‌انداز بعد از سرنگونی: بدون روشن‌کردن خطوط قرمز (مثلاً مخالفت با استبداد جدید یا با مداخله خارجی)، جبهه به ابزاری برای نیروهای ارتجاعی‌تر یا وابسته بدل می‌شود.
۲. فرسایش درونی: وقتی هیچ چارچوب دیگری جز «عبور» تعریف نشود، دیر یا زود اختلافات ایدئولوژیک و رقابت‌های قدرت دوباره سربرمی‌آورد.

۲. حداقل سرنگونی + خطوط قرمز بنیادین

برای اینکه سرنگونی به یک پایه واقعی اتحاد بدل شود، باید با چند اصل تکمیلی همراه شود:

۱. استقلال ملی و طبقاتی: مخالفت با هرگونه مداخله قدرت‌های خارجی.
 ۲. آزادی‌های پایه‌ای: آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، حق تشکل و اعتصاب.
 ۳. مخالفت با هرگونه بازتولید استبداد: چه سلطنت، چه دیکتاتوری نظامی، چه اقتدارگرایی جدید به نام دموکراسی.
- این‌ها اصولی نیستند که به «اختلافات ایدئولوژیک» دامن بزنند؛ بلکه خطوط قرمز حداقلی‌اند که می‌توانند از مصادره‌ی جبهه توسط نیروهای ضدآزادی جلوگیری کنند.

۳. تمرکز بر کارزارهای عملی

اگر جبهه آزادی بخواهد پایدار بماند، باید خود را از «مباحث ایدئولوژیک و پلتفرم‌های بلندبالا» دور کند و انرژی‌اش را بر کارزارهای مشخص بگذارد. برخی از مهم‌ترین این کارزارها به قرار زیر هستند:

۱. کمپین‌های آزادی زندانیان سیاسی.
۲. پشتیبانی بین‌المللی از اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی.
۳. افشای نقض حقوق بشر و اعدام‌ها.
۴. مقابله با پروپاگاندای حکومت در سطح جهانی.

۴. تجربه تاریخی

در تجربه‌ی «جبهه‌های ضدفاشیستی» یا «ائتلاف‌های ضد دیکتاتوری» در آمریکای لاتین، معمولاً یک اصل سلبی واحد (مثلاً سرنگونی دیکتاتور) کافی نبود؛ باید همراه با اصول ایجابی حداقلی (آزادی‌های سیاسی، استقلال ملی) تعریف می‌شد تا اتحاد پایدار بماند.

اگر چنین اصولی نادیده گرفته شود، خطر آن است که جبهه آزادی بعد از مدتی به صحنه‌ی رقابت اپوزیسیون‌های ارتجاعی‌تر بدل شود؛ و از این طریق اعتبار و پایداری خود را از دست خواهد داد.

در ادامه، یک پیشنهاد منشور کوتاه و پایه‌ای برای جبهه آزادی تنظیم شده که بر مبنای اصل مشترک سرنگونی رژیم اسلامی و نیز بر اساس خط قرمزهای اساسی شکل گرفته است. این متن به گونه‌ای طراحی شده که بتواند هم زمینه‌ی اتحاد نیروهای مختلف را فراهم کند و هم از مصادره‌ی جبهه توسط جریان‌های ارتجاعی یا وابسته جلوگیری نماید.

منشور پایه جبهه آزادی

۱. هدف مشترک

ما، نیروها و کنشگران گردآمده در این جبهه، بر سر یک اصل محوری توافق داریم: سرنگونی کلیت رژیم جمهوری اسلامی به عنوان شرط نخست رهایی مردم ایران از استبداد، تبعیض و سرکوب.

۲. خط قرمزهای بنیادین

این جبهه در عین پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و گرایش‌ها، خود را متعهد به اصول حداقلی زیر می‌داند:

۱. استقلال و خودمختاری جنبش آزادی‌خواهانه: مخالفت قاطع با هرگونه مداخله مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های خارجی و امتناع از وابستگی به دولت‌ها و بلوک‌های جهانی.

۲. آزادی‌های پایه‌ای و حقوق همگانی: دفاع بی‌قید و شرط از آزادی اندیشه و بیان، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، حق تشکل، اعتصاب و تجمع.
۳. لغو سرکوب و خشونت دولتی: مخالفت با هرگونه اعدام، شکنجه، زندان سیاسی و تبعیض ساختاری.
۴. ممانعت از بازتولید استبداد: مخالفت با هر شکل از دیکتاتوری - چه مذهبی، چه سلطنتی، چه نظامی - و پایبندی به سازوکارهای دموکراتیک و مشارکتی.
۵. حق برابری و کرامت انسانی: دفاع از برابری زنان و مردان، رفع هرگونه تبعیض قومی، ملی، مذهبی، جنسیتی و طبقاتی.

۳. شیوه عمل

جبهه آزادی خود را به جای رقابت پلتفرم‌های ایدئولوژیک، بر کارزارهای عملی مشترک متمرکز می‌کند؛ از جمله:

۱. کارزارهای آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام.
۲. پشتیبانی از اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی.
۳. افشای سرکوب و جنایات رژیم در عرصه بین‌المللی.
۴. ایجاد رسانه‌ها و شبکه‌های مشترک برای صدای جنبش‌های داخل کشور.
۵. ساختار جبهه بر پایه‌ی دموکراسی افقی، استقلال سازمانی اعضا، و تصمیم‌گیری جمعی استوار خواهد بود.

۴. افق مشترک

این جبهه بر آن است که پس از عبور از جمهوری اسلامی، آینده‌ی سیاسی ایران باید به‌دست مردم، از طریق اراده آزاد، مشارکت همگانی و نهادهای دموکراتیک تعیین شود.

این منشور کوتاه می‌تواند به‌عنوان چارچوب حداقلی آغازین عمل کند: به اندازه کافی روشن هست تا استقلال و آزادی را تضمین کند و به اندازه کافی ساده تا زمینه‌ی اتحاد نیروهای گوناگون را فراهم آورد.

در بخش بعدی نسخه‌ای گسترده‌تر و توضیحی از این منشور تهیه شده که هر اصل همراه با تبیین نظری و تجربه تاریخی (مثلاً نمونه‌های آمریکای لاتین یا جبهه‌های ضدفاشیستی اروپا) آورده می‌شود، تا برای انتشار رسمی یا ارائه در نشست‌ها هم آماده باشد.

این متن به گونه‌ای تنظیم شده که هم جنبه‌ی سیاسی-برنامه‌ای دارد و هم در مقام متن عمومی یا سند پایه قابل انتشار و بحث می‌باشد.

منشور توضیحی و گسترده جبهه آزادی

مقدمه

جامعه‌ی ایران در چهار دهه‌ی گذشته زیر سلطه‌ی رژیم جمهوری اسلامی، با شدیدترین اشکال سرکوب سیاسی، نابرابری اجتماعی، تبعیض جنسیتی و قومی، و بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه بوده است. استمرار این وضعیت نه تنها زندگی میلیون‌ها انسان را به تباهی کشانده، بلکه چشم‌انداز هرگونه تحول دموکراتیک و انسانی را مسدود ساخته است. در برابر این شرایط، جنبش‌های کارگری، زنان، جوانان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان و اقلیت‌های ملی-قومی در داخل کشور به شکل‌های گوناگون به مقاومت برخاسته‌اند، هرچند هنوز به سطح سازمان‌یابی سراسری و سیاسی‌شده دست نیافته‌اند. در خارج کشور نیز اپوزیسیون پراکنده، متکثر و اغلب گرفتار فرقه‌گرایی تاریخی است.

با وجود این همه اختلاف و گسست، یک اصل بنیادین می‌تواند محور اتحاد قرار گیرد: ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و عبور کامل از آن. این منشور تلاش دارد چارچوبی حداقلی برای چنین اتحاد یا «جبهه آزادی» ارائه

کند؛ چارچوبی که بدون ورود به جدال‌های ایدئولوژیک و برنامه‌های بلندمدت، بتواند نیروهای مختلف را حول اقدام مشترک گرد آورد.

اصل اول: هدف مشترک – سرنگونی رژیم اسلامی

۱. جمهوری اسلامی با ساختار ولایت فقیه، دستگاه‌های سرکوبگر و قوانین تبعیض‌آمیز، مانع اصلی هرگونه آزادی و عدالت در ایران است.
۲. سرنگونی این رژیم نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی تاریخی برای گشودن راه دموکراسی، عدالت اجتماعی و رهایی است.
۳. این اصل، وجه مشترک و نقطه‌ی آغازین همگرایی نیروهایی است که گرچه دیدگاه‌های متفاوتی درباره آینده دارند، اما در سلبی‌ترین سطح بر یک موضع واحد ایستاده‌اند: پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی.

اصل دوم: خط قرمزهای بنیادین

برای آنکه جبهه آزادی از مصادره‌ی نیروهای ارتجاعی یا وابسته مصون بماند، چند خط قرمز حداقلی تعریف می‌شود:

۱. استقلال سیاسی و مخالفت با مداخله خارجی
 - ✓ هیچ دولت یا قدرت جهانی حق تعیین تکلیف برای مردم ایران ندارد.
 - ✓ تجربه‌ی عراق، افغانستان و لیبی نشان داده که مداخله امپریالیستی نه آزادی می‌آورد و نه دموکراسی، بلکه ویرانی، جنگ داخلی و سلطه‌ی نیروهای ارتجاعی تازه را تحمیل می‌کند.
۲. آزادی‌های پایه‌ای و حقوق همگانی
 - ✓ آزادی اندیشه، بیان، مطبوعات و رسانه‌ها، آزادی تشکل، اعتصاب و تجمع، و حق فعالیت سیاسی مستقل باید بی‌قید و شرط تضمین شود.
 - ✓ این آزادی‌ها مبنای هر جامعه دموکراتیک و پلورالیستی‌اند و هیچ قدرتی حق سلب آن‌ها را ندارد.
۳. لغو سرکوب و خشونت دولتی
 - ✓ اعدام، شکنجه، زندان سیاسی و هرگونه خشونت سازمان‌یافته‌ی دولتی باید بی‌درنگ پایان یابد.
 - ✓ این اصل بازتاب خواست فوری جنبش‌های حقوق بشری و خانواده‌های داخدا در ایران است.
۴. ممانعت از بازتولید استبداد
 - ✓ جبهه آزادی متعهد است که از هیچ شکل دیکتاتوری – چه مذهبی، چه سلطنتی، چه نظامی و چه اقتدارگرایی جدید به نام دموکراسی – حمایت نکند.
 - ✓ تجربه‌ی انقلاب ۱۳۵۷ نشان داد که عبور از یک دیکتاتوری بدون تضمین دموکراسی، می‌تواند به استبداد تازه‌ای منجر شود.
۵. حق برابری و کرامت انسانی
 - ✓ رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی، ملی، مذهبی و طبقاتی.
 - ✓ زنان، کارگران، اقلیت‌های ملی-قومی و دینی، و همه گروه‌های تحت ستم باید از حقوق برابر برخوردار باشند.

اصل سوم: شیوه عمل – تمرکز بر کارزارهای عملی

جبهه آزادی به جای رقابت پلتفرم‌های ایدئولوژیک، بر کنش‌های مشترک و معین تمرکز می‌کند. نمونه‌هایی از این کارزارها:

۱. کمپین‌های آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام.
۲. پشتیبانی مادی و معنوی از اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی.
۳. افشاگری درباره سرکوب رژیم، در سطح نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی جهانی.
۴. ایجاد رسانه‌ها و شبکه‌های مشترک برای بازتاب صدای جنبش‌های داخل کشور.

ساختار جبهه باید دموکراتیک، افقی و چندصدایی باشد. هر جریان و فرد حق دارد هویت و استقلال خود را حفظ کند، در عین حال بر سر اقدام مشترک متعهد بماند.

اصل چهارم: افق مشترک – تصمیم مردم برای آینده

۱. آینده‌ی سیاسی ایران تنها باید از طریق اراده آزاد مردم و نهادهای دموکراتیک تعیین شود.
۲. هیچ جریان یا نیرویی نمی‌تواند خود را «نماینده‌ی خودخوانده ملت» بداند.
۳. پس از سرنگونی، ضرورت دارد مجمع یا مجامع منتخب مردمی (مانند مجلس مؤسسان) با مشارکت همگانی درباره نظام سیاسی آینده تصمیم‌گیری کنند.

جمع‌بندی

«جبهه آزادی» نه یک حزب واحد است و نه جایگزین همه‌ی سازمان‌ها و گرایش‌ها. بلکه چارچوبی حداقلی برای همکاری نیروهایی است که با وجود اختلافات، بر سه اصل بنیادین توافق دارند:

۱. سرنگونی جمهوری اسلامی،
 ۲. رعایت خطوط قرمز استقلال، آزادی و ضد استبداد،
 ۳. تمرکز بر کارزارهای عملی برای تقویت مبارزات مردم ایران.
- چنین جبهه‌ای اگر شکل گیرد، می‌تواند پژواک صدای آزادی‌خواهی مردم ایران باشد و اعتماد جنبش‌های داخل کشور را جلب کند؛ بی‌آنکه به دام رقابت‌های فرقه‌ای یا وابستگی خارجی بیفتد.

در ادامه، متن منشور با لحن رسمی و بیانیه‌ای (مثلاً شبیه اعلامیه‌ی تأسیس یا سند پایه یک جبهه) تنظیم شده است؛ به گونه‌ای که بتواند در قامت یک سند پایه برای تأسیس جبهه آزادی منتشر شود.

بیانیه تأسیس جبهه آزادی

ما، جمعی از کنشگران، نیروها و جریان‌های آزادی‌خواه، بر پایه‌ی تجربه‌ی تلخ چهار دهه استبداد و سرکوب در ایران، امروز بر آنیم که صدای مشترک خود را در قالب «جبهه آزادی» به گوش مردم ایران و جامعه جهانی برسانیم.

جمهوری اسلامی، با ساختار استبدادی ولایت فقیه، سرکوب خشن مخالفان، تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها، نابودی زیست‌محیطی و غارت ثروت‌های ملی، مانع اصلی آزادی و رهایی مردم ایران است. ما بر این باوریم که هیچ اصلاح و ترمیمی در این نظام ممکن نیست. سرنگونی کامل رژیم جمهوری اسلامی، شرط نخست هرگونه تغییر بنیادین و دموکراتیک در ایران است.

با این هدف مشترک، ما اصول حداقلی زیر را به‌عنوان مبنای اتحاد اعلام می‌کنیم:

اصول بنیادین جبهه آزادی

۱. استقلال سیاسی: ما هرگونه مداخله مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های خارجی در سرنوشت ایران را قاطعانه رد می‌کنیم. تنها مردم ایران حق دارند مسیر آینده‌ی خود را تعیین کنند.
۲. آزادی‌های پایه‌ای: ما بر آزادی اندیشه، بیان، تشکل، اعتصاب و تجمع به‌عنوان حقوق غیرقابل سلب و همگانی پافشاری می‌کنیم.
۳. لغو سرکوب دولتی: ما خواستار پایان فوری اعدام، شکنجه و زندان سیاسی و آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.
۴. ممانعت از بازتولید استبداد: ما با هر شکل از دیکتاتوری – چه مذهبی، چه سلطنتی، چه نظامی – مخالفت می‌کنیم و تنها به سازوکارهای دموکراتیک و مشارکتی پایبندیم.
۵. برابری و کرامت انسانی: ما بر رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی، ملی، مذهبی و طبقاتی تأکید می‌کنیم و برابری کامل زنان، مردان و همه شهروندان را اصل می‌دانیم.

شیوه عمل

جبهه آزادی نه جایگزین سازمان‌ها و گرایش‌های گوناگون، بلکه بستری مشترک برای همکاری عملی است. ما رقابت‌های ایدئولوژیک و فرقه‌ای را کنار می‌گذاریم و بر کارزارهای مشخص و معین تمرکز می‌کنیم: کارزارهای آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام، پشتیبانی از اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی، افشای سرکوب و جنایات رژیم در عرصه بین‌المللی، ایجاد رسانه‌ها و شبکه‌های مشترک برای بازتاب صدای جنبش‌های داخل کشور.

افق مشترک

ما تأکید می‌کنیم که آینده‌ی ایران تنها باید به‌دست مردم و از طریق مشارکت آزاد و عمومی تعیین شود. هیچ نیرویی نمی‌تواند خود را نماینده‌ی ازپیش‌تعیین‌شده‌ی ملت معرفی کند. سرنوشت سیاسی کشور باید به اراده‌ی آزاد مردم و از طریق نهادهایی دموکراتیک و منتخب، چون مجلس مؤسسان، سپرده شود. جبهه آزادی گامی است برای همگرایی نیروهای متکثر در برابر دشمن مشترک: جمهوری اسلامی. ما دست همکاری به سوی همه کسانی دراز می‌کنیم که به این اصول حداقلی پایبندند و آماده‌اند در کنار مردم ایران، برای آزادی، برابری و کرامت انسانی مبارزه کنند.

چارچوب اجرایی و سازمانی جبهه آزادی

۱. ساختار پیشنهادی جبهه

الف) مجمع عمومی

بالاترین نهاد جبهه است که متشکل از نمایندگان گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد مستقل عضو جبهه می‌باشد. وظیفه آن تعیین خطوط کلی سیاسی، تصویب منشور و ارزیابی دوره‌ای فعالیت‌هاست. جلسات می‌تواند حضوری یا آنلاین (برای پراکندگی جغرافیایی نیروها) برگزار شود.

ب) شوراهای هماهنگی

نهاد اجرایی میان‌دوره‌ای که توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شود. ترکیب: نمایندگان سازمان‌ها + نمایندگان افراد مستقل (با سهمیه متوازن). وظیفه: هماهنگی کارزارها، صدور بیانیه‌ها، مدیریت رسانه‌ها و شبکه‌های مشترک. شوراهای هماهنگی در سطح منطقه‌ای (اروپا، آمریکای شمالی، خاورمیانه) و یک شورای مرکزی کلی سازماندهی می‌شوند.

ج) کمیته‌های تخصصی

- ۱ کمیته رسانه و افشاگری
 - ۲ کمیته پشتیبانی از مبارزات کارگری و اجتماعی
 - ۳ کمیته حقوق بشر و آزادی زندانیان سیاسی
 - ۴ کمیته ارتباطات بین‌المللی
 - ۵ کمیته سازماندهی و جذب نیرو
- هر کمیته با مشارکت داوطلبانه اعضا شکل می‌گیرد و گزارش کار خود را به شوراهای هماهنگی ارائه می‌دهد.

۲. نحوه تصمیم‌گیری

اصل اجماع: تلاش نخست همواره رسیدن به اجماع جمعی است.
اصل اکثریت-اقلیت: در صورت عدم اجماع، تصمیم‌ها با رأی دوسوم آرا در مسائل راهبردی و با رأی نصف+۱ در مسائل اجرایی تصویب می‌شوند.
حق اقلیت: جریان‌های مخالف تصمیم اکثریت، حق دارند دیدگاه خود را به طور علنی بیان کنند، مشروط بر آنکه به اقدام جمعی آسیب نزنند.
تناوب مسئولیت‌ها: مسئولیت‌های هماهنگی باید دوره‌ای و قابل‌انتقال باشند تا از شکل‌گیری بوروکراسی و رهبران دائمی جلوگیری شود.

۳. شیوه جذب نیروها

الف) عضویت فردی

هر فرد آزادی‌خواه که منشور جبهه آزادی را بپذیرد و آمادگی همکاری در کارزارهای عملی را داشته باشد، می‌تواند به عنوان عضو مستقل بپیوندد.

ب) عضویت گروهی

- ۱ سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و مدنی می‌توانند با حفظ استقلال کامل، به عنوان عضو جمعی به جبهه بپیوندند.
- ۲ هر گروه یک یا چند نماینده در مجمع عمومی خواهد داشت، اما حق تحمیل دیدگاه یا هژمونی بر دیگران ندارد.

ج) اصول جذب

- ۱ شفافیت: پذیرش منشور و خط‌قرمزها شرط اولیه است.
- ۲ تنوع: جبهه می‌پذیرد که اعضا گرایش‌های مختلف سیاسی و نظری داشته باشند.
- ۳ برابری: هیچ فرد یا گروهی حق ویژه یا امتیاز اضافی ندارد.

۴. مکانیزم ارتباط با داخل کشور

- ۱ ایجاد کانال‌های امن ارتباطی با فعالان داخل (کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان).
- ۲ حمایت رسانه‌ای و مادی از کارزارهای واقعی داخل کشور.
- ۳ پرهیز از سخن‌گویی به جای داخل؛ جبهه آزادی باید بازتاب‌دهنده و تقویت‌کننده صدای مردم باشد، نه جایگزین آن.

۵. منابع و پشتیبانی مالی

- ۱ اتکا به کمک‌های داوطلبانه اعضا و حامیان.
- ۲ شفافیت کامل در جمع‌آوری و مصرف منابع مالی.
- ۳ ممنوعیت هرگونه دریافت کمک از دولت‌ها و نهادهای خارجی.

۶. افق توسعه جبهه

جبهه آزادی در آغاز با منشور حداقلی و کارزارهای معین فعالیت خواهد کرد. با گسترش دامنه‌ی نیروها و تقویت پیوند با جنبش‌های داخل، امکان ارتقاء برنامه و تدوین چشم‌اندازهای مشترک بلندمدت فراهم می‌شود. آینده جبهه را تنها توازن نیروها و نیازهای واقعی جنبش مردم تعیین خواهد کرد.

این چارچوب اجرایی به گونه‌ای طراحی شده که نه به تمرکزگرایی بوروکراتیک بینجامد و نه به پراکندگی کامل؛ بلکه ترکیبی است از مجمع عمومی دموکراتیک، شوراهای هماهنگی عملی و کمیته‌های تخصصی منعطف.

اساسنامه جبهه آزادی

فصل اول – کلیات

ماده ۱. نام

این تشکل با عنوان «جبهه آزادی» شناخته می‌شود و در این اساسنامه به اختصار «جبهه» نامیده می‌شود.

ماده ۲. ماهیت

جبهه آزادی یک ائتلاف دموکراتیک، مستقل و غیردولتی است که با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی، برابری و کرامت انسانی تشکیل شده است.

ماده ۳. مبنا

مبنای فعالیت جبهه، منشور جبهه آزادی و اصول حداقلی مصوب مجمع عمومی است.

ماده ۴. حوزه فعالیت

جبهه در سطح بین‌المللی فعالیت دارد و از همه افراد و گروه‌های آزادی‌خواه ایرانی، فارغ از محل اقامت، دعوت به مشارکت می‌کند.

ماده ۵. استقلال

جبهه آزادی مستقل از هر دولت، نهاد حکومتی یا قدرت خارجی بوده و هرگونه وابستگی سیاسی یا مالی به آن‌ها ممنوع است.

فصل دوم – اهداف و وظایف

ماده ۶. اهداف اصلی

۱. سرنگونی کلیت رژیم جمهوری اسلامی.

۲. دفاع از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی.

۳. مخالفت با هرگونه دیکتاتوری یا بازتولید استبداد.

۴. حمایت از برابری جنسیتی، ملی، قومی، مذهبی و طبقاتی.

۵. ایجاد بستر همکاری عملی میان نیروهای آزادی‌خواه.

ماده ۷. وظایف عملی

۱. سازماندهی و اجرای کارزارهای مشترک (آزادی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، حمایت از اعتراضات کارگری و اجتماعی، افشای جنایات رژیم).

۲. ایجاد رسانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی برای تقویت صدای مبارزات مردم ایران.

۳. برقراری ارتباط و همکاری با نهادها و جنبش‌های مترقی بین‌المللی.

۴. تأمین شفاف منابع مالی از طریق کمک‌های داوطلبانه.

فصل سوم – عضویت

ماده ۸. شرایط عضویت فردی

هر فردی که:

الف) منشور و اساسنامه جبهه را بپذیرد،

ب) به اصول حداقلی پایبند باشد،

ج) آمادگی مشارکت عملی در فعالیت‌های جبهه را داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان عضو فردی پذیرفته شود.

ماده ۹. شرایط عضویت گروهی

سازمان‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی و مدنی که:

الف) منشور و اساسنامه جبهه را بپذیرند،

ب) استقلال خود را حفظ کنند و هرگونه طلب نباشند،

می‌توانند به‌عنوان عضو جمعی پذیرفته شوند.

ماده ۱۰. حقوق اعضا

۱. حق مشارکت در مباحث و تصمیم‌گیری‌ها.

۲. حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن در ارگان‌های جبهه.

۳. حق بیان آزادانه دیدگاه‌ها در چارچوب احترام به مصوبات جمعی.

ماده ۱۱. وظایف اعضا

۱. رعایت منشور و اساسنامه.

۲. مشارکت فعال در کارزارها و فعالیت‌های مصوب.

۳. پرهیز از اقداماتی که به وحدت و اعتبار جبهه آسیب رساند.

فصل چهارم – ارکان جبهه

ماده ۱۲. مجمع عمومی

۱. بالاترین رکن تصمیم‌گیری جبهه است.

۲. متشکل از نمایندگان اعضای فردی و جمعی.

۳. وظایف: تصویب منشور و اساسنامه، تعیین خطمشی کلی، انتخاب شورای هماهنگی، نظارت بر عملکرد.

۴. جلسات عادی حداقل سالی یک بار برگزار می‌شود.

ماده ۱۳. شورای هماهنگی

۱. نهاد اجرایی منتخب مجمع عمومی.

۲. متشکل از نمایندگان منتخب اعضا با ترکیب متوازن میان افراد مستقل و سازمان‌ها.

۳. وظایف: اجرای مصوبات مجمع عمومی، هماهنگی کارزارها، اداره رسانه‌ها، نمایندگی جبهه در عرصه عمومی.

۴. دوره مسئولیت: یک‌ساله، با امکان انتخاب مجدد.

ماده ۱۴. کمیته‌های تخصصی

۱. کمیته رسانه و افشاگری.

۲. کمیته حقوق بشر و زندانیان سیاسی.

۳. کمیته پشتیبانی از مبارزات کارگری و اجتماعی.

۴. کمیته ارتباطات بین‌المللی.

۵. کمیته سازماندهی و جذب نیرو.

هر کمیته با مشارکت داوطلبانه تشکیل می‌شود و به شورای هماهنگی پاسخگو است.

فصل پنجم – شیوه تصمیم‌گیری

ماده ۱۵. اصول تصمیم‌گیری

۱. تلاش نخست بر اساس اجماع.

۲. در صورت عدم اجماع، تصمیم‌ها با دوسوم آرا در مسائل راهبردی و با نصف+۱ در مسائل اجرایی تصویب می‌شود.
 ۳. حق اقلیت: اعضای مخالف تصمیم اکثریت می‌توانند دیدگاه خود را علناً بیان کنند، مشروط بر آنکه به اجرای مصوبات آسیب نرسانند.

ماده ۱۶. شفافیت و گردش مسئولیت

۱. مسئولیت‌های جبهه دوره‌ای است و هیچ فرد یا گروهی حق انحصار در مناصب ندارد.
۲. کلیه تصمیم‌ها و منابع مالی باید به‌طور شفاف به اعضا گزارش شود.

فصل ششم – منابع مالی

ماده ۱۷. منابع مالی جبهه

۱. حق عضویت اعضا.
 ۲. کمک‌های داوطلبانه و مردمی.
 ۳. درآمدهای مشروع ناشی از فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی.
- ماده ۱۸. ممنوعیت

هرگونه کمک مالی یا سیاسی از دولت‌ها و نهادهای خارجی ممنوع است.

فصل هفتم – انحلال و تغییر اساسنامه

ماده ۱۹. تغییر اساسنامه

تغییر مفاد این اساسنامه تنها با تصویب دوسوم نمایندگان حاضر در مجمع عمومی امکان‌پذیر است.

ماده ۲۰. انحلال جبهه

در صورت ضرورت انحلال، تصمیم باید با رأی سه‌چهارم اعضای مجمع عمومی اتخاذ شود.

فصل هشتم – مواد پایانی

ماده ۲۱. تفسیر اساسنامه

تفسیر این اساسنامه در صلاحیت مجمع عمومی است.

ماده ۲۲. لازم‌الاجرا بودن

این اساسنامه پس از تصویب در نخستین مجمع عمومی، لازم‌الاجرا خواهد بود. این متن، چارچوبی حقوقی و تشکیلاتی برای جبهه آزادی فراهم می‌آورد تا در کنار منشور و بیانیه، بنیان یک ساختار سازمانی روشن و قابل اتکا شکل گیرد.